باسمه تعالی

برنامه‌ی غدیر سطح یک

موضوع کلی: امامت امام زمان (عج)، شجاعت، جشن گرفتن برای غدیر

شماره	فهرست برنامه‌ها	زمانبندی
1	پیش برنامه/کاردستی: جعبه‌ی شکلات	۲۵ دقیقه
۲	آغاز- سوره‌ی عادیات	۱۰ دقیقه
۳	داستان یار شجاع پیامبر	۱۰ دقیقه
۴	کلیپ امامت امام زمان (عج)	۴ دقیقه
۵	نمایش امامت امام زمان (عج)	۱۵ دقیقه
۶	بازی/ فعالیت گروهی پانتومیم صفات حضرت علی (ع)	۲۰-۲۵ دقیقه
۷	شعر/ سرود غدیر	۴ دقیقه
۸	پرزی جشن عید غدیر در خانواده	۱۵ دقیقه
۹	انیمیشن امامت	۱۳ دقیقه
۱۰	کار در منزل	-
۱۱	پایان/ نتیجه گیری و دعا	۵-۱۰ دقیقه
-	کل برنامه	۱۱۸-۱۳۱ دقیقه

شماره	متن	زمان	اهداف	مواد لازم – شیوه اجرا
۰	**پیش برنامه**/کاردستی و رنگ‌آمیزی: طرز تهیه کاردستی جعبه‌ی شکلات در انتهای جدول آمده‌است. ۱ تصویر برای رنگ‌آمیزی نیز در انتهای فایل آمده‌است. همزمان با کاردستی می‌توان از این ترانه برای شاد کردن فضای جشن استفاده کرد: **http://amoorohani.com/%DA%AF%D8%A7%D9%84%D8%B1%DB%8C/%DA%AF%D8%A7%D9%84%D8%B1%DB%8C-%D9%88%DB%8C%D8%AF%D8%A6%D9%88/%D9%85%D9%88%D9%84%D8%A7%DB%8C-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1**	۲۵ دقیقه	۱. با توجه به عدم حضور هم‌زمان بچه‌ها توصیه می‌شود قبل از شروع رسمی برنامه برای فراگیرانی که زودتر آمده‌اند کاردستی و یا رنگ‌آمیزی مرتبط با این مناسبت انجام شود.	۱. مقوا ۲. قیچی ۳. مفتول جهت دسته‌ی جعبه‌ی شکلات
۱	**آغاز** سلام بچه‌های عزیزم، دوستای گلم عیدتون مبارک. خوبین؟ خوشین؟ شادابین؟ کیا می‌دونن امروز چه روزیه؟ ما برای چی اینجا دور هم جمع شدیم و جشن گرفتیم و قراره حسابی خوش بگذرونیم؟ بله درسته دوستای گلم. امروز عید بزرگ ما مسلمونا و مخصوصا شیعیانِ امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) هست یعنی عید غدیر. کی یادشه که عید غدیر چه اتفاقی افتاده‌بود؟ بله، غدیر همون روزی بود که پیغمبر در آخرین سفرشون به مکه برای حج، حضرت علی رو به عنوان جانشین بعد از خودشون به همه معرفی کردن. بچه‌هایی که توی برنامه عید غدیر پارسال شرکت کردن، حتما داستانش رو یادشون هست. جریان از این قرار بود که خداوند از پیامبر (ص) خواست که برای کامل	۱۰ دقیقه	۱. توسل به قرآن برای نورانی شدن دل که عامل هدایت است. ۲. اشاره‌ی اجمالی به ماجرای غدیر خم و جانشینی حضرت علی (ع). ۳. آشنایی با سوره‌ی	۱.

	شدن دین اسلام باید کسی رو که خود خدای مهربون مشخص کرده به عنوان جانشین خودشون معرفی کنن تا مردم بعد از وفات ایشون بدون رهبر و امام نباشن و راه درست اسلام رو بشناسن و اشتباهی از آدم‌های دیگه که اسلام رو کامل نمی‌شناسن پیروی نکنن و به راه اشتباه نرن. خب، حالا قبل از اینکه سراغ برنامه‌های امروز بریم، طبق معمول برنامه‌مون رو با خوندن آیه‌های زیبا و نورانی قرآن آسمونیمون شروع می‌کنیم تا دل‌هامون و جشنمون رو نورانی کنیم و از خدا بخوایم که روز خوبی داشته‌باشیم. بچه‌ها! توی جزء ۳۰ یه سوره هست به نام سوره‌ی عادیات. این سوره درباره‌ی حضرت علی (ع) هست و به خوب بودن ایشون اشاره می‌کنه. حالا من براتون می‌خونم (یا پخش صدای قاری) شما هم با هم زمزمه کنین تا بعد بهتون بگم چه داستانی پشت این سوره هست و چه ربطی به حضرت علی (ع) داره. بسم اللّه الرحمن الرحیم و العادیات ضبحا (۱) فالموریت قدحا (۲) فالمغیرات صبحا (۳) فاثرن به نقعا (۴) فوسطن به جمعا (۵) به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. قسم به اسبانی که (سواران در جهاد کفار تاختند تا جایی که) نفسشان به شماره افتاد (۱) و در تاختن از سم ستوران بر سنگ آتش افروختند (۲) و صبحگاهان بر دشمن هجوم آوردند (۳)		عادیات و شان نزول آن و مقام حضرت علی (ع). ۴. آشنایی با صفت نیکوی شجاعت و تحقق آن در حضرت علی علیه السلام	

	و گرد و غبار (از دیار کفار) بر انگیختند (۴) و سپاه دشمن را همه در میان گرفتند (۵). ترجمه‌ی آیات برای مربی آمده‌است. یک روز به پیامبر (ص) خبر دادن که دوازده هزار سوار در سرزمینی به نام «یابس» جمع شدن و با هم قرار گذاشتن که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله و علی علیه السّلام را به قتل برسونن و مسلمونا رو از بین ببرن. پیغمبر اکرم هم تعداد زیادی از یارانشون رو به سرکردگی بعضی از اصحابشون به سراغ اونها فرستادن، ولی بعد از این که با اونها صحبت کردن به نتیجه نرسیدن و برگشتن به مدینه. بالاخره پیامبر (ص) تصمیم می‌گیرن این کار رو هم به حضرت علی علیه السّلام بسپارن تا همه بدونن که ایشون با بقیه فرق دارن و برتر هستن. حضرت علی هم با تعداد زیادی از مسلامونا به جنگ با اون مردم که می‌خواستن دین اسلام و پیامبر رو از بین ببرن رفتن و لشگر دشمن رو محاصره کردن و اسلام رو به اونها معرفی کردن، بعد وقتی که دیدن اونها قبول نمی‌کنن و می‌خوان به همون هدف قبلیشون که کشتن پیامبر بود برسن، با اونها جنگیدن و سپاه دشمن رو شکست دادن. سوره عادیات هم وقتی نازل شد بر پیامبر که سربازان و امیرالمؤمنین (ع) هنوز به مدینه برنگشته بودن. پیامبر هم این سوره رو برای مردم خوندن و فرمودن علی علیه السّلام بر دشمنان پیروز شدن، و جبرئیل دیشب با آوردن این سوره به ایشون خبر پیروزی سپاه اسلام رو داده و این سوره بر ایشون نازل شده. آیات این سوره هم از حرکت سپاه مسلمانان به طرف دشمن و دفاع محکم اونها با دشمنان صحبت می‌کنه و اینکه این کار چقدر ارزش داشته و حضرت علی (ع) چه مقام والایی داشتن که این کار رو هم مثل بقیه کارهاشون به بهترین صورت انجام دادن که هیچ کس دیگه نمی‌تونست از پسش بربیاد. بچه‌ها، خوبه بدونین که حضرت علی خیلی شجاع بودن. کی می‌دونه شجاع یعنی چی؟ بله، آفرین بر شما، شجاع یعنی کسی که ترسو نیست. یعنی جایی که لازم هست، حاضره مثل یه شیییییر (همراه با صدای غرش) وایسه و از کسی هم نترسه! بچه‌ها، آدم شجاع مخصوصا جایی که خطری هست می‌تونه خودش رو خیلی خوب نشون بده. یعنی از خطر نترسه			

	و حاضر باشه که در برابر یک مشکل مقاومت کنه. زمان پیامبر، خیلی از آدم‌های بد می‌خواستن پیامبر رو از بین ببرن، به همین خاطر جنگ‌های زیادی راه انداختن که پیامبر رو بکشند. ولی حضرت علی همیشه از پیامبر دفاع می‌کردند. خود پیامبر هم خیلی شجاع بودند و در خیلی جنگ‌ها شرکت می‌کردند! بچه‌ها، ما افتخار می‌کنیم که شیعه حضرت علی هستیم، چون مردِ مردان بودن و از هیچ چیزی نمی‌ترسیدند، و خیلی قوی بودند. دشمنانشون هم ازشون خیلی می‌ترسیدند. این افتخار ما است که امامون مثل شیر بوده! بچه‌ها، راستی، شجاع بودن یک فایده دیگه هم داره. مثلا اگر کسی کار اشتباهی کرده باشه یا حرف نادرستی زده باشه، باید شجاع باشه و قبول داشته‌باشه که اشتباه کرده و حتی اگر ازش پرسیدند، راستش رو بگه که بله، من این کار نادرست رو انجام دادم و حالا پشیمون هستم! این هم یکی از معنی‌های شجاع بودنه که هم برای آقا پسرهای عزیز معنی داره و هم برای دختر خانم‌های گل! خب بچه‌ها، امروز چون عید بزرگی هست، برنامه‌های جالبی داریم که امیدواریم به شما خوش بگذره. آماده‌اید که بریم سراغ برنامه بعدی؟			
۲	**داستان** یار شجاع پیامبر یکی بود یکی نبود، غیر از خدای مهربون هیچ کس نبود. در روزگارای قدیم یه پسر کوچولو در یه جای خیلی خوب یعنی در خونه‌ی خدای مهربون به دنیا اومد. اون کوچولو توی بهترین خونواده بزرگ شد. کسی که بهترین آفریده-ی خدای مهربون بود و خدا هم اون رو قرار بود برای رهبری و هدایت مردم انتخاب کنه. این پسر کوچولوی مهربون هر روز بزرگ‌تر می‌شد و همه چیز رو از اون آقای مهربون یاد می‌گرفت و دوست داشت هم از همون بچگی بهترین بنده‌ی خدا باشه. همش سعی می‌کرد هر طوری که می‌تونه به همه کمک کنه. خیلی خیلی مهربون بود و هیچ کار بدی انجام نمی‌داد و هیچ کس هیچ وقت ازش ناراحت نشده بود. به نظر می‌رسید برای اینکه بخواد بهترین انسان بشه، داره راه درستی رو میره و یه روز به هدفش می‌رسه. خوبی و مهربونی و کمک کردن به مردم از	۱۰ دقیقه	۱. آشنایی با حضرت علی (ع) و شجاعت و دلاوری و فضائل ایشان. ۲. آشنایی با جنگ خیبر و دلاوری‌های حضرت در آن جنگ.	۱. آشنایی با مهارت داستان گویی و جلب توجه بچه‌ها

یه طرف و از طرف دیگه قوی و شجاع بودن این بچه که دیگه داشت جوانی می‌شد از یه طرف بین همه‌ی مردم معروف شده‌بود و همه اون پسر رو می‌شناختن و ازش تعریف می‌کردن.

احتمالا تا حالا حدس زدین که اون مرد خیلی مهربون و این پسر خیلی خوب چه کسانی بوده‌اند، اما من هنوز می‌خوام داستان رو ادامه بدم تا به جاهای جالبترش برسیم. خب، مدتی گذشت و اون آقای مهربون یه روز آمد به خونه و به همسرش و به اون آقا پسر که توی خونه اونها بزرگ می‌شد خبر داد که خدا او رو به عنوان پیامبر خودش انتخاب کرده و مسئولیت راهنمایی مردم رو به او داده.

خب، برای این کار مهم پیامبر، یه دوست صمیمی و شجاع لازم بود که مثل برادر همراه پیامبر (ص) باشه و پیامبر اسلام رو تنها نگذاره و اون کسی نبود جز کی بچه‌ها؟ بله درسته کسی نبود جز همون پسر کوچولویی که تو خونه‌ی خود پیامبر بزرگ و تربیت شده‌بود. کی می‌دونه اون پسر که الان دیگه جوانی بود اسمش چی بود؟ بله درسته آفرین. حضرت علی (ع)، که معروف بودن به شیر خدا انقدر که شجاع و قوی بودن و در راه رضای خدای مهربون از شجاعتشون استفاده می‌کردن. مثلا در جاهایی که باید، حق آدم‌های مظلوم رو می‌گرفتن یا در جنگ‌هایی که دشمنان برای کشتن مسلمونا به راه می‌انداختن. حضرت علی (ع) با جون و دل و با شجاعت تمام که هیچ کس، هیچ وقت مثل ایشون انقدر شجاع نبوده و نیست، در مقابل ظلم می‌ایستادن و از هیچ چیزی نمی‌ترسیدن. فقط و فقط به رضایت خدای مهربون و کمک به بنده‌های خدا فکر می‌کردن.

یکی از جاهایی که خدای بزرگ خیلی به حضرت علی (ع) نیرو داد، جنگی به نام جنگ خیبر بود که مسلمونا مجبور شدن به یهودیانی که قصد از بین بردن اسلام رو داشتن حمله کنن. طبق معمول هم باز حضرت علی (ع) در اون جنگ شروع به هدایت یهودیان کردن و به اونها از خوبی‌ها و مهربونی‌های دین اسلام گفتن و از خدای مهربون گفتن که همه رو آفریده و پیامبر اسلام که آخرین پیامبر خداس، ولی باز هم یهودیان قبول نکردن. اونها در یک قلعه زندگی می‌کردن به نام قلعه‌ی خیبر که درهای خیلی خیلی بزرگ و سنگینی داشت. حضرت علی (ع) به تنهایی اون درها رو برداشتن و با یک دست پرتابش کردن و همه از تعجب انگشت‌هاشون رو به دهانشون بردن و چشماشون از تعجب باز شده‌بود. بعد مسلونا تونستن برن توی قلعه و حضرت علی (ع) مثل همیشه شجاعانه با

	قویترین دشمنان یهودی اسلام جنگیدن و بر اونها پیروز شدن و مسلمونا هم در اون جنگ به خاطر شجاعت حضرت علی (ع) پیروز شدن. بعد از پیروزی هم وقتی مردم اومدن درهای قلعه‌ی خیبر رو سر جاشون بگذارن نتونستن تا اینکه ۷۰ نفر از لشگریان اومدن و با کمک هم درهای خیبر رو سر جاشون گذشتن. یعنی خداوند به امیرالمؤمنین (ع) قدرت ۷۰ مرد قوی رو داد تا اون درها رو برداره و این نشون می‌ده که چقدر امام ما رو خدای مهربون دوست داشته و چقدر ایشون قوی و شجاع بودن و برای رضا خداوند هر کاری می‌کردن و از هیچ چیزی نمی‌ترسیدن. خب بچه‌ها، بالا رفتیم ماست بود قصه‌ی ما راست بود، امام ما علی بود.			
۳	**کلیپ** http://amoorohani.com/%DA%AF%D8%A7%D9%84%D8%B1%DB%8C/%DA%AF%D8%A7%D9%84%D8%B1%DB%8C-%D9%88%DB%8C%D8%AF%D8%A6%D9%88/%D9%85%D9%88%D9%84%D8%A7%DB%8C-%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1 امامت امام زمان (عج) http://www.dordaneh12.ir/fa/p/%D8%B4%D8%B9%D8%B1-%D8%B3%D8%B1%D9%88%D8%AF-%D9%85%D8%AB%D9%84-%D8%AC%D8%AF%D8%B4-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85-%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86-%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA-%D9%85%D9%87%D8%AF%DB%8C-(%D8%B9%D8%AC)-%D8%B5%D8%AF%D8%A7%DB%8C-%DA%A9%D9%88%D8%AF%DA%A9%D8%A7%D9%86/	۴ دقیقه	۱. توجه به معنای امامت و اینکه همان طور که در غدیر، حضرت علی علیه السلام به عنوان امام مسلمان‌ها معرفی شدند، اکنون هم امام ما، حضرت مهدی علیه السلام هستند و ما بایستی برای راهنمایی شدن و کمک خواستن، به ایشان مراجعه کنیم.	۱.پرژکتور و پرده ۲.بلندگو

۴	**نمایش** امامت امام زمان (عج) صحنه: پشت بام یا لبه‌ی دیواری که چراغانی شده‌است. دو کبوتر (مادر و جوجه) بال‌زنان به روی دیوار می‌نشینند و شروع به صحبت می‌کنند. جوجه کبوتر نفس‌نفس‌زنان می‌گوید: بغ بغو، بغ بغو. مامان جون پرواز امروزم چطور بود؟ خوب به حرفاتون گوش داده‌بودم؟ مادر کبوتر: بغ بغو. آره عزیزم. خیلییی خوب بود کار امروزت. خیلی ازت راضیم. خیلی‌ام خوش گذشت. جوجه: مامان یه سؤال، امروز چرا همه کوچه‌ها و خونه‌ها انقدر چراغونی بودن؟ چه خبر بوده؟ مادر: امروز عید بود دیگه عزیزم. بهت نگفتم مگه؟! جوجه: نه مامان نگفتین! مادر: امروز عید غدیر بوده. روزی بوده که آخرین پیامبر خدای مهربون جانشین بعد از خودش رو معرفی کرده به مردم که بعد از فوت ایشون مردم بدونن حرف‌های چه کسی رو گوش بدن که از راه پیامبر و خدا منحرف نشن. جوجه با تعجب: منحرف نشن؟! مادر می‌خندد و می‌گوید: یعنی راه اشتباهی نرن. یعنی اینکه بعد از پیامبر مردم همون راه رو که راه درست بود رو ادامه بدن که به نتیجه برسن. نه اینکه دوباره مثل قبل برن دنبال آدمایی که کارای اشتباه می‌کردن و بشن مثل قبل و راه اشتباه رو برن و از خدای مهربون دور شن. فهمیدی الان عزیز دلم؟	۱۵ دقیقه	۱. معرفی غدیر و ذکر اهمیت آن و مفهوم جانشینی پیامبر (ص). ۲. معرفی امام زمان (عج) به عنوان جانشین حاضر پیامبر (ص).	۱. عروسک پرنده یا کبوتر ۲ عدد (می‌توان از شیوه‌ی کاغذ و تا یا کاردستی برای تهیه‌ی کبوتر استفاده کرد یا حتی ماسک. (در انتهای فایل طرز تهیه-ی یک کبوتر آمده-است) ۲. سکو یا صحنه به شکل پشت بام یا دیوار تزئین شده با چراغانی یا تزئینات دیگر. ۳. یک ترانه مداحی درباره غدیر و ترانه "بیا مهدی" همراه با امکان پخش صوت

	جوجه: آره تقریبا فهمیدم. مامان! اسم جانشین بعد از پیامبر چی بوده؟ مادر: حضرت علی (ع) بودن که پیش خود پیامبر بزرگ شده بودن و خیلی به ایشون نزدیک بودن و همه چیز رو تو زندگی از ایشون یاد گرفته بودن. جوجه کبوتر چند دور پرواز می‌کند و به صدای ترانه سرای (مداحی) که می‌آید گوش می‌دهد و انگار که به دنبال صدا می‌گردد و سر جایش برمی‌گردد. جوجه: مامان، یه سؤال دیگه. الان حضرت علی کجاس که بریم پیششون؟ من دوست دارم جانشین پیامبر خدا رو و چشمای پر از مهربونیشون رو ببینم و بهشون سلام کنم. مادر کمی فکر می‌کند و می‌گوید: خب عزیزم، تاریخ عید غدیر برمی‌گرده به خیلی سال پیش و خب الان دیگه امام علی (ع) شهید شدن و دیگه بین ما نیستن که تو بتونی بری و ببینیشون. البته می‌تونیم با هم به نجف بریم و حرم ایشون رو زیارت کنیم. جوجه سرش را با غصه به زیر می‌اندازد و می‌گوید: اااا چه بد. جوجه: خب مامان مگه شما نگفتی که حضرت علی (ع) جانشین پیامبر شدن که مردم از راه درست دور نشن و معلم داشته باشن؟! مادر: خب آره درسته. جوجه: خب الان که دیگه ایشون زنده نیستن، مردم چه کار باید بکنن؟ دیگه کسی رو ندارن که حواسشون بهشون باشه و راه درست رو بهشون نشون بده؟ مادر با حس افتخار و تشویق به جوجه نگاه می‌کند و می‌گوید: آفرین عزیزم. آفرین به این دقتت و به این سؤال			

	قشنگت! خیلی خیلی خوشحال شدم که انقدر دقیق گوش می‌دی و خوب فکر می‌کنی و یاد می‌گیری. درست می-گی عزیزم، حضرت علی (ع) الان در بین مردم نیستن. ولی فرزندی دارن که جانشین ایشون و پیامبر خداس و در زمان ما هست. جوجه با تعجب زیاد: جدی می‌گی مامان؟! مادر: آره عزیزم. الان هم جانشین پیامبر خدا بر روی زمین وجود داره. اصلا خدا گفته هیچ وقت مردم تنها نمی‌مونن و جانشین پیامبر همیشه برای هدایت مردم هست. جوجه: اسم این امام چیه مامان جون؟ مادر: امام زمان؛ حضرت مهدی (عج)! جوجه: خب پس مامان بریم امام زمان رو ببینیم. من خیلیییییی دوست دارم ببینم کسی رو که خدای مهربون برای هدایت مردم انتخاب کرده چه شکلیه. چی کار می‌کنه. چقدر مهربونه. شنیدم پیامبر خدا خیلی خوب و مهربون و خوش اخلاق بوده و بهترین آدم روی زمین بوده، پس حتما جانشینشونم باید مثل خودشون باشن نه؟ مادر: دقیقا. درست می‌گی عزیزم. خیلی خوب داری فکر می‌کنی و به نتیجه‌های خوبی می‌رسی عزیز دلم ولی.... (مکث) جوجه: ولی چی مامان؟ (ناگهان صدای ترانه‌ی "بیا مهدی" می‌آید) و باز جوجه و مادرش به دنبال صدا می‌گردند. (ترانه می‌تواند از قبل شروع شده‌باشد با صدای خیلی کم که حواس بچه‌ها را پرت نکند و در این قسمت آوای آن کم کم زیاد شود و همه آن را بشنوند.) اتمام ترانه			

	جوجه: مامان این که می‌گفت مهدی بیا منظورش چی بود؟ منظورش امام زمان بود؟ مگه رفتن مسافرت؟ مادر: نه عزیزم. داستانش طولانیه. فقط برات بگم که امام زمان ما به قدرت خدا برای اینکه از دست دشمنانشون در امان باشن برای مردم قابل شناسایی نیستن. یعنی بیشتر مردم ایشون رو اگه ببینن نمیشناسن. چون اگه بشناسن، جونشون به خطر می‌افته و خدای نکرده ایشون که امام آخر ما هستند، شهید می‌شن و خدا هم هیچ وقت نمی‌خواد مردم بی امام بمونن. در نتیجه تا وقتی که امام زمان شرایط خوبی برای شناخته شدن و ظهور نداشته باشن در غیبت هستن. جوجه: پس می‌گین در غیبت هستن یعنی که هستن ولی ما نمی‌شناسیمشون. یعنی اگر بخوان آدم‌ها رو کمک کنن می‌کنن ولی اون‌ها شاید نفهمن که امام زمانشون بوده که کمکشون کرده. آخیییی چه حیف (با حسرت) مادر: راس می‌گی! خیلی حیفه که ما نمی‌تونیم بریم خونشون و بشینیم رو دیوارشون و هر روز ببینیمشون. ولی می‌تونیم برای امام زمانمون دعا کنیم و از خدا بخوایم که کمک کنه زودتر بیان و ما به آرزومون برسیم. امام زمان هم دیگه تنها نباشن و همه بشناسنشون و برن پیششون و ازشون چیزای خوب یاد بگیرن. صدای ترانه‌ی غدیر می‌آید و جوجه پرواز می‌کند و می‌گوید: مامان جونم عیدت مبارک! بیا بازم بریم تو شهر دور بزنیم و از حضرت علی و از امام زمان بشنویم. مادر هم می‌خندد و پرواز می‌کند و صحنه را ترک می‌کنند.			
۵	**بازی/ فعالیت گروهی** پانتومیم صفات حضرت علی (ع) بچه‌ها به این بازیمون توجه کنین که بتونین بعدا ازش استفاده کنین. حالا بهتون می‌گم چه استفاده‌ای باید بکنین. بازی امروزمون پانتومیمه. اول من (یا فرد دیگری که توانایی اجرای این پانتومیم‌ها را دارد) برای شما چند تا پامتومیم اجرا می‌کنم که بعضی از صفت‌های حضرت علی (ع) مثل شجاعت، مهربانی، با خدا بودن، کمک کردن به مردم، خوش	۲۰-۲۵دقیقه	۱. انجام بازی‌های گروهی توانایی کودکان در ارتباط برقرار کردن با بقیه کودکان را فراهم می‌کند و بستر مهمی	۱.

	اخلاقی، قوی بودن، راستگو بودن و ... رو توش نشون می‌دم، بعد شما باید حدس بزنن اون چه صفتی بوده. بعد از اجرای پانتومیم‌ها، یک بازی تحرکی با بچه‌ها داشته‌باشید. برای مثال آن‌ها را به گروه‌های ۴ نفره تقسیم کنید (متناسب با تعداد بچه‌ها) و خطی را معین کنید تا از آن شروع به دویدن کنند و تا خط مشخصی بدوند و برگردند و نفر بعدی برود تا گروه برنده مشخص شود (دوی امدادی). همزمان با این کار می‌توانید ترانه مرتبط با جشن پخش کنید.		برای اجتماعی. ۲. فعالیت‌های تحرکی خستگی بچه‌ها را از بین می‌برد و یادگیری و بازدهی آن‌ها را بالا می-برد و حس شادی و رضایت از جشن به آن‌ها می‌دهد. انجام بازی‌های تحرکی در جشن‌ها بسیار لازم هستند.	
۶	**شعر / سرود** غدیر غدیر چشمه‌ی جوشان غدیر، آب خروشان غدیر، یه برکه‌ی خوب غدیر، یه روز محبوب غدیر، یه روز زیبا یه عیدِ خوبِ خدا غدیر، عید ولایت شده روز هدایت پیغمبر خدا گفت نبی مصطفی گفت:	۴ دقیقه	۱. برای ایجاد فضایی شاد در جشن.	۱. این کلیپ می تواند همزمان با درست کردن کاردستی پخش شود. ۲. پرژکتور و بلندگو و لب تاپ و پرده نمایش.

	«علی امام شماست برایتان رهنماست» امام متقینه امیرالمؤمنینه حرف شیطون گوش نشه غدیر فراموش نشه ما بچه‌های شیعه با هم می‌گیم همیشه غدیرو دوست می‌داریم جشنای خوب می‌گیریم تو جان جانی علی چه مهربانی علی تو جانشین خورشید در آسمانی علی تو اولینی علی تو بهترینی علی همیشه می‌درخشی			

مثل نگینی علی

چه پاک و با صفایی

تو هدیه خدایی

تو را صدا می‌کنیم

که آشنای مایی

علی علی جان ماست

قله ایمان ماست

ما همه خاکیم و او

مژده باران ماست

شاعر : شکوه قاسم نیا

بچه‌ها شادی کنیم بچه‌ها شادی کنیم

	آمده عید غدیر بچه‌ها شادی کنیم بچه‌ها شادی کنید آمده عید غدیر بازگوید مادرم قصــه‌های دلپذیر بنده خوب خدا یار پیغمبر، علی او امام اول است بهترین رهبر علی بانگ قرآن مجید می‌رسد از کوچه‌ها مژده‌ی عید غدیر شادی ما بچه‌ها بار دیگر شهر ما نورباران می‌شود زیر نور چلچراغ شب، چراغان می‌شود باز هم امشب پدر نقل و شیرینی خرید			

باز بوی عطر و یاس می‌دهد پیغام عید

امامت امام زمان (عج)

سلام من به مهدی و به قلب آسمانیش

سلام من به پاکی و به لطف و مهربانیش

سلام من به لحظه‌ای که می‌رسد ظهور او

سلام من به لحظه‌ای که می‌رسد عبور او

سلام من به بوسه‌ای که می‌رسد به دست او

سلام من به حضرتی که داده مهر و آبرو

سلام من به قد او سلام من به قامتش

سلام من به دست او به قدرت امامتش

.....

مانند خورشید در پشت ابری

هم باشهامت هم کوه صبری

	هم پاک و زیبا هم مهربانی یعنی امام و صاحب زمانی هر روز و هر شب در یاد مایی هم با محبت هم با دعایی آن چهره‌ات را می‌دیدم ای کاش مهدی (عج) خوبم در قلب من باش			
۷	**پرزی** جشن عید غدیر در خانواده https://prezi.com/hxnpxnbsmhsc/gadir/ تصویر ۲: خب بچه‌ها بگین ببینم کیا اینجا تا حالا برای پدر مادراشون، یا خواهر برادرشون جشن تولد گرفتن؟ کیا دوست دارن این کار رو انجام بدن؟ چقد خوب! چرا دوست دارین این کار رو انجام بدین؟ بله درسته، چون اون‌ها برامون عزیز هستن و خب، روز تولدشون هم برای ما مهمه و دوست داریم تو اون روز جشن خونوادگی بگیریم و خوش بگذرونیم. تصویر ۳: بگین ببینم: کیا تا حالا برای نیمه شعبان یا عید غدیر یا ولادت یکی از امامامون تو خونه‌شون جشن گرفتن؟ منظورم اینه که خودتون جشن گرفته باشینا، نه پدر مادراتون! من امروز می‌خوام بهتون بگم که ما می‌تونیم برای عید غدیر هم تو خونه‌هامون جشن بگیریم و خوش بگذرونیم و یه روز به‌یادموندنی داشته‌باشیم. تصویر ۴ : بچه‌ها این کار، کار خیلی سختی نیست و می‌تونه خیلی هم سرگرم‌کننده باشه. اگر بخوایم این کار رو بکنیم، اولین کار، برنامه‌ریزی برای جشنه که خب حتما باید چند روز قبل از جشن انجام بشه. باید با مامان و بابا	۱۵ دقیقه	۱. آشنا کردن بچه‌ها با اهمیت برگزاری جشن عید غدیر در خانواده و برای نزدیکان. و تشویق آنها برای برگزاری یک جشن کوچک غدیر در محیط خانواده ۲. ایجاد اعتماد به نفس و دادن حس توانایی در بچه‌ها برای مدیریت و اجرای یه جشن کوچک خانوادگی و معرفی راه-	۱. پرژکتور و بلندگو و لب تاپ و پرده نمایش.

	مشورت کنین و بهشون پیشنهاد بدین که می‌خواین یه جشن کوچولو برای عید غدیر بگیرین. ببینین چه روز و ساعتی برای این کار مناسبه. می‌تونین توی جشنتون چندتا برنامه داشته‌باشین، مثل قرآن، داستان، مسابقه، دیدن انیمیشن یا شنیدن شعر، و البته قسمت خوشمزه‌ی پذیرایی هم که هست. خلاصه، می‌تونین فکر کنین که برنامه جشن چی باشه و با کمک مامان بابا براش برنامه‌ریزی کنین. تصویر 5: حالا که زمان جشن و برنامه‌هاش مشخص شده، باید برای دعوت کردن اعضای خانواده یه فکری بکنین. اینا دیگه همش بستگی به خلاقیت خودتون داره. مثلا می‌تونین یه کارت کوچولوی بامزه درست کنین و از مامان بابا یا خواهر برادرتون که می‌تونن بنویسن، بخواین که براتون چیزی توش بنویسن. و کارت‌های دعوت رو به اعضاء خانواده بدین. تصویر 6: خب، یکی از کارهای مهم برای جشن، آماده کردن محل جشنه. مثلا باید محل جشن رو تزئین کنین. برای این کار می‌تونین از وسایل تزئینی یا بادکنک استفاده کنین. اگر چراغ تزئینی هم دارید، برای این کار خیلی خوبه. تصویر 7: خب، حالا فرض کنید که زمان جشن رسیده. به همه خوش‌آمد می‌گین و از یکی از بزرگترها می‌خواین که اول جشن، آیه ۶۷ سوره مائده رو همراه ترجمه‌اش بخونه. این آیه مربوط به روز غدیره. بعد هم، همه با هم دعای فرج رو بخونین و از امام زمان بخواین که به جشنتون توجه کنن. بعد هم به‌ترتیب برنامه‌های جشن رو انجام بدین. حالا برای این جشن چه برنامه‌هایی خوبه داشته‌باشین؟ من الآن کمکتون می‌کنم. تصویر 8: یه برنامه خوب می‌تونه داستان باشه. مثلا می‌تونین همین داستان امروز که شنیدین رو خودتون برای بقیه تعریف کنین. برای همین، ما متن داستان امروز رو به مامان باباتون می‌دیم که اگر خواستین تمرینش کنین، دوباره براتون بخونش. یا می‌تونین از مامان یا بابا بخواین که در قسمت داستان جشن، ماجرای غدیر رو برای همه تعریف کنن.		کارهایی برای آن.	

	تصویر 9: برنامه دوم می‌تونه مثلا همین پانتومیم باشه که امروز باهم بازی کردیم. مثلا در گوش پدر یا مادرتون یکی از صفت‌های حضرت علی(ع) مثل شجاعت، مهربانی، با خدا بودن، قوی بودن، راستگو بودن و ... رو بگین و از اونها بخواین تا پانتومیم اون صفت رو انجام بدن و بقیه حدس بزنن اون چه صفتی بوده. علاوه بر این، می‌تونین بازی‌های دیگه‌ای هم داشته‌باشین، مثل بادکنک بازی، طناب‌کشی یا ماست‌خوری. تصویر 10: دیگه بچه‌ها می‌تونین کلیپ یا انیمیشن مرتبط هم برای خونوادتون پخش کنین که من برای کمک به شما آدرس اینترنتی چندتا کلیپ رو براتون آماده کردم و بهتون می‌دم که ان‌شاالله بتونین با کمک یکی از اعضاء خونوادتون اون رو پیدا کنین و براشون اجرا کنین. تصویر 11: یه کار دیگه که حتما باید به فکرش باشین اگه گفتین چیه؟ کجای جشنا بهتون خیلی خوش می‌گذره؟ بله پذیرایی. پس حتما باید به فکر خوراکی باشین. بازم هر چیزی که خودتون و خونوادتون دوست دارن. می‌تونه میوه یا آجیل یا شکلات یا کیک خوشمزه‌ای که حتی خودتون با کمک مادراتون درست کردین یا چیزای دیگه باشه. ما امروز به فکر این قسمت جشنتون بودیم و به خاطر همین، کاردستی‌ای که درست کردیم، یه ظرف شکلات بوده که باهاش بتونین توی جشن از بقیه پذیرایی کنین! ☺ تصویر 12: دیگه کجای جشنا بهتون خیلی خوش می‌گذره؟ قسمت هدیه گرفتن نه؟ بلههههه می‌دونم☺ پس باید یه فکری هم درباره‌ی هدیه‌ها و یادگاری که می‌خواین از جشن داشته‌باشین بکنین. این هدیه می‌تونه کار دست خودتون باشه مثل یه کارت کوچیک، نقاشی،کاردستی یا اگه امکانش رو داشتین یه چیز کوچیک که از بیرون تهیه کرده‌باشین. ولی به نظر من بهتره هدیه جشن، کار دست خودتون باشه چون ارزشش بیشتره. تصویر 13: در انتهای جشن هم مثل جشن‌های خودمون، از همه به خاطر اینکه توی جشن شرکت کردن تشکر می-		

	کنیم و بعد هم با هم دعای فرج رو رو به قبله می‌خونین. اینم شد یه جشن پر خاطره که مسئولش خود شما بودین با کمک خونوادتون. بچه‌ها بهتون بگم که خیلی خیلی این جور جشنا خوش می‌گذره و همه دوستش دارن و ازش لذت می‌برن. مهمتر از همه اینکه عید بزرگ غدیر رو توی خونوادمون جشن گرفتیم و دل امام زمان خودمون رو شاد کردیم و بهشون نشون دادیم همونطور که از این عید بزرگ انقدر خوشحالیم و براش جشن گرفتیم، برای اومدن امام زمانمون هم لحظه شماری می‌کنیم و آرزو داریم ایشون بیان و ما که حسابی تو جشن گرفتن تمرین کردیم، براشون یه جشن بزرگ و خوب بگیریم.			
۸	**انیمیشن** امامت http://film.tebyan.net/film/39583	۱۳ دقیقه	۱. توضیح جانشینی پیامبر (ع) و رها نکردن مردم بدون مربی توسط خداوند یکتا. ۲. آشنایی با امیرالمؤمنین علی (ع). ۳. توجه به معنای امامت و اینکه همان طور که در غدیر، حضرت علی علیه السلام به عنوان امام مسلمان‌ها معرفی شدند، اکنون هم امام ما، حضرت مهدی علیه السلام	۱. پروژکتور و وسیله-ی پخش و بلندگو

			هستند و ما بایستی برای راهنمایی شدن و کمک خواستن، به ایشان مراجعه کنیم.	
۹	**کار در منزل** لطفا از مطالبی که در انتهای فایل آمده‌است به تعداد شرکت‌کنندگان پرینت گرفته و آن را در اختیار والدین بچه‌ها قرار دهید و در صورتی که امکان آن نیست، از کودکان بخواهید آن را به والدین خود بدهند.		۱. بالا بردن سطح یادگیری و به خاطر-سپاری به وسیله‌ی ادامه-ی کار مرتبط با برنامه در منزل.	۱. پرینت از متن تهیه شده در انتهای فایل.
۱۰	**پایان**/ نتیجه گیری و دعا: خب دوستای گلم، خسته که نشدین نه؟ خیلی ممنون که به این جشن اومدین و به برنامه‌ها خوب توجه کردین. به ما که خیلی خوش گذشت که امروز رو با شما بودیم و حسابی پرانرژی شدیم و خندون از اینجا می‌ریم خونه‌هامون و امیدوارم شما هم همینطور باشین. خب بچه‌ها! من دوست دارم بدونم شماها امروز از برنامه‌ی ما چیا یاد گرفتین یا کجاهاشو خیلی دوست داشتین و براتون جالب بوده و فک می‌کنین که یادتون نمی‌ره؟ خیلی خوبه، ما خیلی خوشحالیم که شما انقدر دقیق بودین و این همه چیز خوب و مهم یاد گرفتین. من که خستگیم حسابی در رفت. همونطور که شما گفتین، ما امروز رو فهمیدیم که عید غدیره و خب، خیلی‌هامون می‌دونستیم که عید غدیر روزیه که پیامبر (ص)، جلوی مسلمون‌ها حضرت علی (ع) رو به جانشینی خودشون معرفی کردن و از اون روز ایشون امام ما مسلمونا شدن.	۱۰-۵ دقیقه	۱. نتیجه گیری بحث و انتقال دوباره‌ی مفهوم کلی جانشینی پیامبر (ص) و شجاعت‌ها و دلاوری‌های حضرت علی (ع). ۲. تذکر به وجود مقدس صاحب الزمان (عج) به عنوان جانشین آخر پیامبر اکرم (ص). ۳. بازگویی اهمیت برگزاری جشن‌های	۱. اجرای این قسمت در فضای سکوت و توجه و توسل. ۲. آغاز دعا، پس از توجه دادن بچه‌ها به اهمیت دعا برای فرج صاحب الزمان عج. ۳. سعی شود که متن عربی و ترجمه آن به زبان محلّی همزمان با تلاوت، نمایش داده

	بعد هم که با هم سوره‌ی عادیات رو خوندیم و در اون از دلاوری‌ها و شجاعت‌های امیرالمؤمنین (ع) گفتیم و اینکه چقدر ایشون همراه و یار پیامبر بودن و به گسترش دین اسلام کمک کردن و ما چقدر به ایشون می‌بالیم و خوشحالیم که امام اول ما اینطوری بودن و به همراه پیامبرمون بهترین آدم‌های روی زمین بودن. امروز یاد گرفتیم که شجاعت یعنی چی؟ و اینکه خوبه هم شجاع باشیم و از چیزی الکی نترسیم. و هم اینکه شجاع باشیم و اگر یه موقع اشتباهی کردیم، قبول کنیم که خودمون مسئولش هستیم و تقصیر کس دیگری نندازیم و از بابتش عذرخواهی کنیم. دیگه اینکه یاد گرفتیم که خیلی راحت می‌تونیم با یه برنامه‌ریزی خوب توی خونمون جشن عید غدیر رو بگیریم و لحظه‌های به‌یادموندنی رو ایجاد کنیم. یه ظرف شکلات هم ساختیم که توی جشن خونوادگیمون ازش استفاده کنیم و دهن همه رو شیرین کنیم با شیرینی یا شکلاتای خوشمزه. حتما حتما وقتی منو دوباره دیدین بهم بگین که جشناتون تو خونه‌هاتون چطوری شده و چه کارایی کردین. خب بچه‌ها، امروز که روز عید غدیر و جانشینی امام علی (ع) هست رو ما برای امام زمان خودمون هم جشن می-گیریم، چون جانشین پیامبر (ص) در زمان ما ایشون هستن. ایشون هستن که الان بهترین بنده‌ی خدا در روی زمین هستن و همه‌ی دنیا و آفریده‌های خدای مهربون منتظرن تا آخرین جانشین رسول اکرم (ص) ظهور کنه و دنیا رو پر از زیبایی و عدالت و خوبی بکنه و خالی کنه از بدی‌ها. امام زمان ما هم مثل حضرت علی (ع) شجاع و قوی هستن و از نیروشون برای کمک به مردم و در راه رضای خدا استفاده می‌کنن و خیلی خیلی مهربونن و همه رو دوست دارن مخصوصا شما بچه‌های گل رو که توی این جشن شرکت کردین و می‌خواین خودتون جشن برگزار کنین. حالا همگی بیاین رو به قبله بایستیم و برای امام مهربونمون دعا کنیم. • خواندن دعای فرج رو به قبله و ایستاده به احترام ایشان		توسط خانوادگی کودکان.	شود.

			http://film.tebyan.net/film/151746	

طرز تهیه ی کاردستی:

Chocolate box

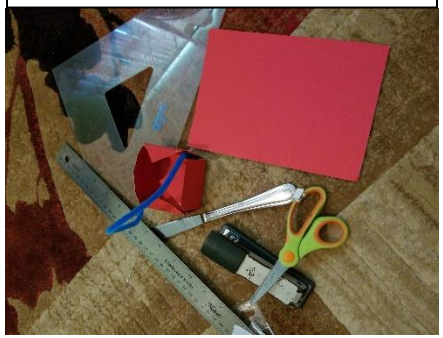

Supplies:

Paper (colored or patterned), score- pal, stapler, scissor, ruler, and 90 degree triangle.

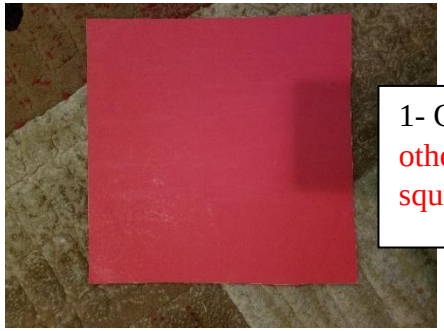

1- Cut patterned paper to a 5-1/2” square or any other square size. The size of the box depends on square size.

2-score at 7” and 9” or play with the combination to get different looks. If you don’t have score-pal, just use the back of metal knife.

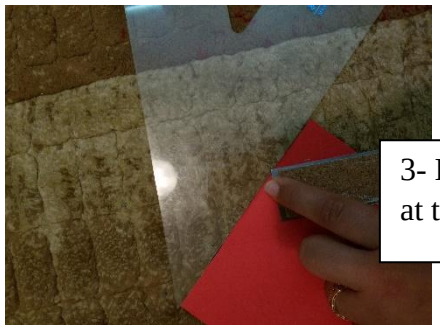

3- Keep rotate and score on all 4 sides, then score at the middle of 4 corners of the square.

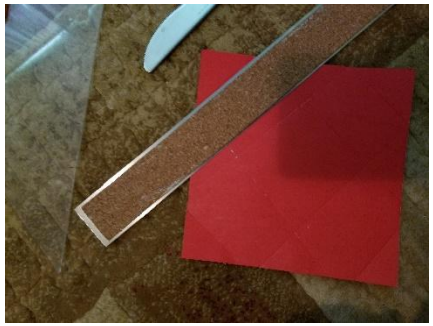

3- The result should be like this.

4- Fold on all 4 direction of square to het the box.

5- Fold the 4 sides as it shows in the image.

6-. Staple all sides together.

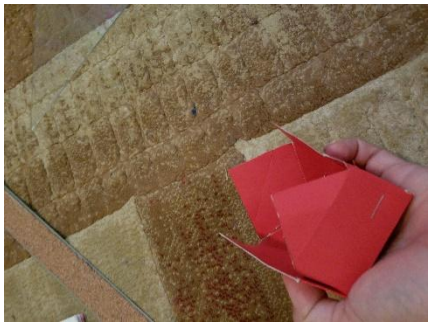

7- This is the result.

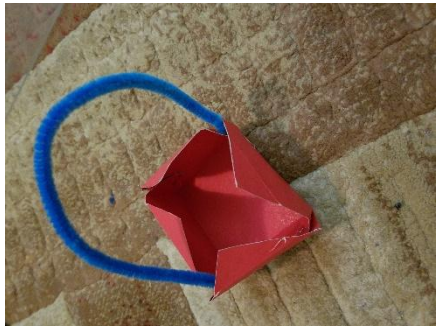

8- Use craft supplies or gift wrap to create a handle for the box. Add a peace of accessory to close the box, can be decorated with extra desire accessories. .

عید ولایت
عید غدیر مبارک
bustannoor.blogfa.com

لطفا از مطلب زیر به تعداد شرکت کنندگان پرینت گرفته و آن را در اختیار والدین بچه‌ها قرار دهید و در صورتی که امکان آن نیست، از کودکان بخواهید آن را به والدین خود بدهند.

کار در منزل:

با سلام خدمت شما والدین گرامی،

عید سعید غدیر را خدمت شما تبریک عرض می‌کنیم. در برنامه‌ی امروز، ما به فرزاندانمان اهمیت برگزاری جشن‌های هر چند کوچک خانگی در محیط گرم خانواده را آموختیم و سعی در ایجاد حس مسئولیت در این زمینه و بالا بردن حس اعتماد به نفس در آن‌ها را داشتیم. خوب است فرزندانمان از همین سنین، با اهمیت این عید بزرگ و مبارک شمردن آن آشنا باشند تا ان شاالله زمینه‌ای برای شادی قلب امام زمانمان باشد و ایشان دستگیر فرزندانمان شوند و ما نیز جزء عمل‌کنندگان به فرموده‌ی پیامبر اکرم (ص) قرار گیریم و این خبر مهم را به گوش دیگران برسانیم. در همین راستا، بچه‌ها امروز کاردستی ظرف شکلاتی تهیه کرده‌اند تا آن را در جشنی که می‌خواهند به کمک شما مدیریت و اجرا کنند، برای پذیرایی از شرکت‌کنندگان استفاده کنند. امیدواریم شما نیز بتوانید بچه‌ها را تشویق به این کار کنید و جشنی گرم و شاد در محیط گرم خانواده‌تان برگزار کنید.

متن داستانی نیز تهیه شده که فرزندانتان قرار است در جشنی که می‌خواهند برگزار کنند آن را اجرا کنند. لطفا به آن‌ها برای تمرین این داستان کمک کنید و سعی کنید که آن‌ها خود آن را اجرا کنند تا تجربه‌ی خوبی برای آن‌ها برای اجرا باشد. علاوه بر این، متن قسمتی که مراحل اجرای جشن را توضیح دادیم تقدیم شما می‌شود تا در جریان توضیحات ما برای فرزندمان باشید.

آدرس لینک‌هایی نیز در اختیار شما قرار می‌گیرد تا فرزندانتان بتوانند آن‌ها را در جشنی که برای شما می‌گیرند به نمایش بگذارند. لطفا آن‌ها را یاری کنید:

http://www.aparat.com/v/mNLDx

http://film.tebyan.net/film/110401

http://www.aparat.com/v/48QHc/%D8%B9%DB%8C%D8%AF_%D8%BA%D8%AF%DB%8C%D8%B1

سپاسگزاریم

داستان یار شجاع پیامبر

یکی بود یکی نبود، غیر از خدای مهربون هیچ کس نبود. در روزگارای قدیم یه پسر کوچولو در یه جای خیلی خوب یعنی در خونه‌ی خدای مهربون به دنیا اومد. اون کوچولو توی بهترین خونواده بزرگ شد. کسی که بهترین آفریده‌ی خدای مهربون بود و خدا هم اون رو قرار بود برای رهبری و هدایت مردم انتخاب کنه. این پسر کوچولوی مهربون هر روز بزرگ‌تر می‌شد و همه چیز رو از اون آقای مهربون یاد می‌گرفت و دوست داشت هم از همون بچگی بهترین بنده‌ی خدا باشه. همش سعی می‌کرد هر طوری که می‌تونه به همه کمک کنه. خیلی خیلی مهربون بود و هیچ کار بدی انجام نمی‌داد و هیچ کس هیچ وقت ازش ناراحت نشده بود. به نظر می‌رسید برای اینکه بخواد بهترین انسان بشه، داره راه درستی رو میره و یه روز به هدفش می‌رسه. خوبی و مهربونی و کمک کردن به مردم از یه طرف و از طرف دیگه قوی و شجاع بودن این بچه که دیگه داشت جوانی می‌شد از یه طرف بین همه‌ی مردم معروف شده‌بود و همه اون پسر رو می‌شناختن و ازش تعریف می‌کردن.

احتمالا تا حالا حدس زدین که اون مرد خیلی مهربون و این پسر خیلی خوب چه کسانی بوده‌اند، اما من هنوز می‌خوام داستان رو ادامه بدم تا به جاهای جالبترش برسیم. خب، مدتی گذشت و اون آقای مهربون یه روز آمد به خونه و به همسرش و به اون آقا پسر که توی خونه اونها بزرگ می‌شد خبر داد که خدا او رو به عنوان پیامبر خودش انتخاب کرده و مسئولیت راهنمایی مردم رو به او داده.

خب، برای این کار مهم پیامبر، یه دوست صمیمی و شجاع لازم بود که مثل برادر همراه پیامبر (ص) باشه و پیامبر اسلام رو تنها نگذاره و اون کسی نبود جز کی بچه‌ها؟ بله درسته کسی نبود جز همون پسر کوچولویی که تو خونه‌ی خود پیامبر بزرگ و تربیت شده‌بود. کی می‌دونه اون پسر که الان دیگه جوانی بود اسمش چی بود؟ بله درسته آفرین. حضرت علی (ع)، که معروف بودن به شیر خدا انقدر که شجاع و قوی بودن و در راه رضای خدای مهربون از شجاعتشون استفاده می‌کردن. مثلا در جاهایی که باید، حق آدم‌های مظلوم رو می‌گرفتن یا در جنگ‌هایی که دشمنان برای کشتن مسلمونا به راه می‌انداختن. حضرت علی (ع) با جون و دل و با شجاعت تمام

که هیچ کس، هیچ وقت مثل ایشون انقدر شجاع نبوده و نیست، در مقابل ظلم می‌ایستادن و از هیچ چیزی نمی‌ترسیدن. فقط و فقط به رضایت خدای مهربون و کمک به بنده‌های خدا فکر می‌کردن.

یکی از جاهایی که خدای بزرگ خیلی به حضرت علی (ع) نیرو داد، جنگی به نام جنگ خیبر بود که مسلمونا مجبور شدن به یهودیانی که قصد از بین بردن اسلام رو داشتن حمله کنن. طبق معمول هم باز حضرت علی (ع) در اون جنگ شروع به هدایت یهودیان کردن و به اونها از خوبی‌ها و مهربونی‌های دین اسلام گفتن و از خدای مهربون گفتن که همه رو آفریده و پیامبر اسلام که آخرین پیامبر خداس، ولی باز هم یهودیان قبول نکردن. اونها در یک قلعه زندگی می‌کردن به نام قلعه‌ی خیبر که درهای خیلی خیلی بزرگ و سنگینی داشت. حضرت علی (ع) به تنهایی اون درها رو برداشتن و با یک دست پرتابش کردن و همه از تعجب انگشت‌هاشون رو به دهانشون بردن و چشماشون از تعجب باز شده‌بود. بعد مسلونا تونستن برن توی قلعه و حضرت علی (ع) مثل همیشه شجاعانه با قویترین دشمنان یهودی اسلام جنگیدن و بر اونها پیروز شدن و مسلمونا هم در اون جنگ به خاطر شجاعت حضرت علی (ع) پیروز شدن. بعد از پیروزی هم وقتی مردم اومدن درهای قلعه‌ی خیبر رو سر جاشون بگذارن نتونستن تا اینکه ۷۰ نفر از لشگریان اومدن و با کمک هم درهای خیبر رو سر جاشون گذشتن. یعنی خداوند به امیرالمؤمنین (ع) قدرت ۷۰ مرد قوی رو داد تا اون درها رو برداره و این نشون می‌ده که چقدر امام ما رو خدای مهربون دوست داشته و چقدر ایشون قوی و شجاع بودن و برای رضا خداوند هر کاری می‌کردن و از هیچ چیزی نمی‌ترسیدن.

خب بچه‌ها، بالا رفتیم ماست بود قصه‌ی ما راست بود، امام ما علی بود.

طرز تهیه کبوتر برای نمایش:

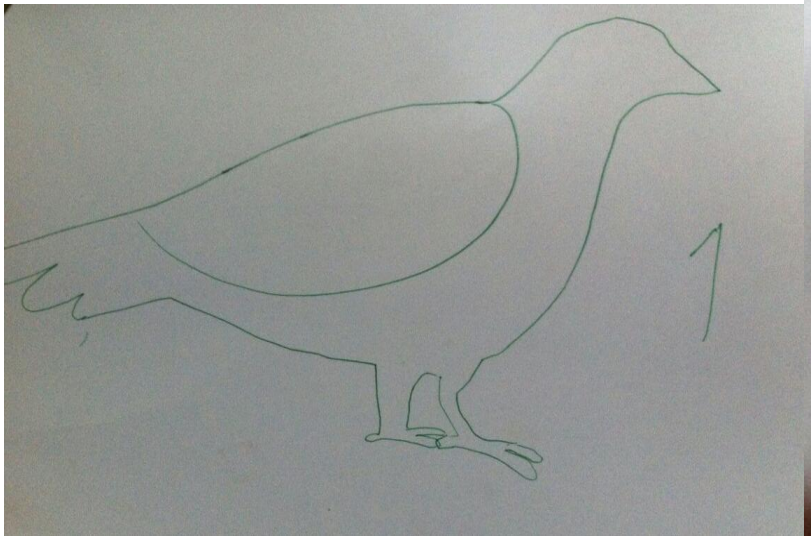
١

٢

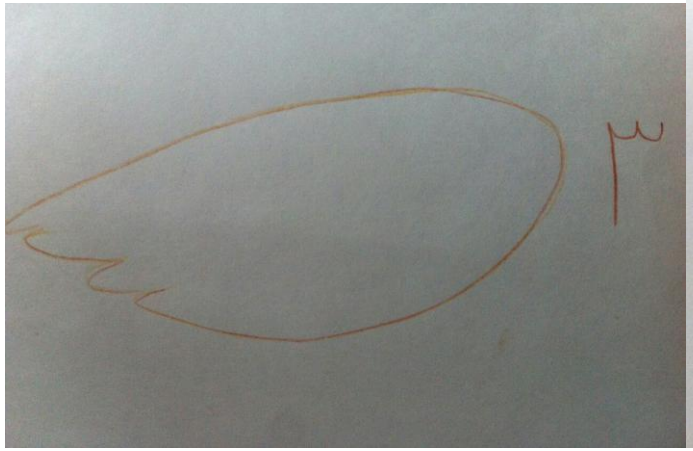
٣

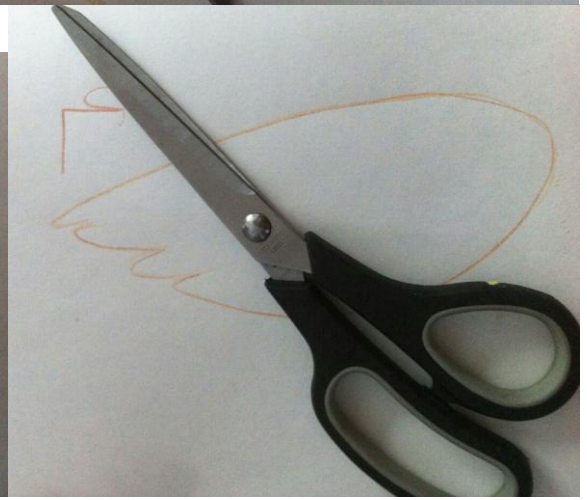

Transparent Tape
Kuhan transparent